

۹۱/۸/۲۱

• دریافت

۹۱/۱۲/۲۷

• تأیید

نقد جامعه‌شناختی رمان عمارت یعقوبیان، نوشته علاء اسوانی

علی گنجیان خناری*

رضوان جمشیدیان**

چکیده

نقد جامعه‌شناختی شاخه جوانی است که به تازگی بر تنه نقد ادبی روییده است و راه رشد و تکامل را می‌پیماید. این رویکرد چگونگی تعامل میان ادبیات و جامعه را بررسی می‌کند. این مقاله، با روش تحلیلی و توصیفی، رمان عمارت یعقوبیان، اثر نویسنده مشهور مصری، علاء اسوانی، را از منظر جامعه‌شناختی نقد می‌کند. این رمان مهم‌ترین اثر علاء اسوانی است که در آن به کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ م. و پیامدهای آن در جامعه مصر می‌پردازد. اسوانی در این اثر با بیان هنری میان جامعه و رمان تعامل برقرار می‌کند و آنچه را در صحنه اجتماعی و سیاسی مصر در جریان است، با رعایت جنبه‌های هنری، در رمان منعکس می‌سازد. از سوی دیگر، این رمان تأثیر بسزایی در تحولات و انقلاب اخیر مصر داشته است.

واژگان کلیدی:

نقد جامعه‌شناختی، علاء اسوانی، عمارت یعقوبیان، کودتای افسران آزاد.

pajuhesh1390@Gmail.com

* دانشیار زبان و ادبیات عربی_ دانشگاه علامه طباطبایی

jamshidian.rezvan@mailfa.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

مقدمه

ادبیات و جامعه رابطه‌ای تنگاتنگ و انکارناپذیر دارند؛ زیرا ادبیات از ذهن انسان‌های خلاق نشأت می‌گیرد که در جامعه زندگی می‌کنند و، به این ترتیب، نویسندگان مسائل جامعه را در زمان تولید اثر ادبی برای مخاطب بازآفرینی می‌کند. بررسی ارتباط میان جامعه و اثر ادبی را نخستین بار مادام دواستال فرانسوی مطرح کرد و امروزه به‌منزله یکی از شیوه‌های جدید نقد ادبی به‌کار می‌رود. این مقاله رمان عمارت یعقوبیان، برجسته‌ترین اثر ادبی علاء اسوانی، نویسنده مشهور مصری، را مورد بحث و بررسی جامعه‌شناختی قرار می‌دهد. این اثر جاویدان در واقع پژوهش‌های رویدادهای صحنه اجتماعی و سیاسی مصر است و تاکنون از این منظر بررسی نشده است.

این مقاله، با روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای نقد جامعه‌شناختی، تلاش می‌کند به این پرسش‌ها پاسخ دهد: آیا نگرش نویسنده و ساختار و محتوای اثر ادبی او تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده است؟ آیا نگارش این اثر ادبی تأثیری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشته است؟ آیا نویسنده با رعایت جنبه‌های هنری رویدادهای اجتماعی را بررسی کرده است؟ هدف از پاسخ‌گویی به این سؤالات، بررسی تعامل این اثر ادبی با جامعه مصر و همچنین بازتاب تصویری واقعی از اوضاع جامعه در این رمان است.

پیشینه پژوهش

جامعه‌شناسی رمان روش نسبتاً نوینی است که در ادبیات فارسی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از آثار پژوهشی در زمینه نقد جامعه‌شناختی، کتاب نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، نوشته عسگر عسگری حسنکلو، است. همچنین کتاب واقعیت اجتماعی و جهان داستان، نوشته جمشید مصباحی‌پور ایرانیان نیز پژوهشی دیگر در این زمینه است. هر دو نویسنده به شیوه‌ای علمی و روشمند به نقد اجتماعی ادبیات داستانی فارسی پرداخته‌اند. در رشته زبان و ادبیات عرب، مقاله‌هایی مانند «النقد الاجتماعي»، «جذور النقد الاجتماعي»، «جحا والنقد

الاجتماعی»، «المنهج الاجتماعي في النقد الادبي العربي الحديث» و «اسهام العرب الأقدمين في النقد الاجتماعي للأدب» در سایت‌های اینترنتی موجود است، اما درخصوص نقد جامعه‌شناختی رمان عمارت یعقوبیان، پژوهشی صورت نگرفته است.

تعریف نقد جامعه‌شناختی

نقد جامعه‌شناختی به چگونگی ارتباط جامعه و ادبیات و تأثیر متقابل آن‌ها بر هم می‌پردازد و به گونه‌ای هنری مسائل و تحولات اجتماعی را بررسی می‌کند. تأمل درخصوص رابطه ادبیات و جامعه اساس شکل‌گیری نقد جامعه‌شناختی است. این شاخه به تحلیل تمام عوامل اجتماعی مؤثر بر آفرینش آثار ادبی می‌پردازد؛ چراکه این تأثیر دوسویه و متقابل است و ادبیات موجودی زنده و پویاست و همان‌طور که از جامعه خود تأثیر می‌پذیرد، بر آن تأثیر نیز می‌گذارد (عبدی ۱۳۹۱: ۲۰۹).

تاریخچه نقد جامعه‌شناختی

نخستین بارقه‌های نقد اجتماعی در آرای گروهی از منتقدان، از جمله مادام دواستال (۱۷۶۶-۱۸۱۷ م.) و هیپولیت تن (۱۸۲۸-۱۸۹۳ م.)، و نیز برخی از فیلسوفان جامعه‌شناس، همچون کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م.) و فردریش انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵ م.)، پدیدار شد و امروزه به‌منزله یکی از شیوه‌های نوین نقد ادبی به کار می‌رود (روشنفکر و نعمتی ۱۳۸۹: ۱۵۱). جورج لوکاج بنیان‌گذار راستین جامعه‌شناسی ادبیات است. لوکاج به ارتباط بین جامعه و رمان و تأثیر بینش اجتماعی نویسندگان در مضامین آثار ادبی پرداخت. پس از او، لوسین گلدمن به تأمل در اندیشه‌های لوکاج پرداخت و آن‌ها را روشمند ساخت (عسگری ۱۳۸۹: ۷۴).

ظهور نقد جامعه‌شناختی در ادبیات عربی

نخستین مطالعات جدی اعراب در نقد ادبی جدید مدیون علما و ادبای لبنان است. آنان در خلال جنگ جهانی اول و پس از آن، به‌مدد پیشگامانی چون سلیمان

البستانی، میخائیل نعیمه و امین الریحانی و ادبای برجسته‌ دیگر، تحولی در نقد ادبی به وجود آوردند (امامی ۱۳۷۷: ۵۹). احمد امین از برجسته‌ترین پیشگامان نقد ادبی جدید بود که بحث‌هایش را با معرفی ادبیات اجتماعی آغاز کرد. در نظر او، هنر نباید به مسائل فردی منحصر شود، بلکه شایسته است که در خدمت اصلاح جامعه باشد (حسن درویش ۱۹۸۸: ۲۴۹). محمد مندور نیز از بنیانگذاران فکر و فلسفه‌ سوسیالیستی در ادبیات است. او مدت‌ها شعار «ادبیات، نقد اجتماع است» را سر می‌داد و معتقد بود ادبیات زیبایی‌ای دارد که منتقد باید آن را آشکار کند (الحاوی ۱۹۸۴: ۱۱۶).

مهم‌ترین نظریه‌ لوکاچ و گلدمن در نقد جامعه‌شناختی

پیش از این، اشاره شد که لوکاچ و گلدمن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نقد جامعه‌شناختی محسوب می‌شوند. از نظر لوکاچ، شخصیت اصلی رمان فردی مسئله‌دار است که در جامعه‌ای که ارزش‌های کمی، نظیر سرمایه و پول و کالا، بر آن حاکم است، به جست‌وجوی ارزش‌های اصیل و راستین برمی‌آید؛ ارزش‌هایی چون عشق، عدالت، آزادی و شادی بیکرانۀ جان. اما جست‌وجوی او بیهوده است؛ زیرا خود پیشاپیش می‌داند که چیزی به دست نخواهد آورد. بنابراین انزوا و تنهایی و درون‌گرایی، تنها گریزگاه انسان مسئله‌دار در جامعه‌ مدرن و، در عین حال، تباه معاصر است (عسگری ۱۳۸۹: ۱۲۲). از دیدگاه لوکاچ و گلدمن، قهرمان پروبلماتیک فردی مسئله‌دار، معترض و پرمشکل است که در جهانی تباه، جویای ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است.

جایگاه ادبی و سیاسی علاء اسوانی

علاء اسوانی در سال ۱۹۵۷ م. در مصر متولد شد. پس از تحصیلات دبیرستان، در رشته دندان‌پزشکی دانشگاه الینوی شیکاگو مشغول به تحصیل شد. او اکنون، در کنار شغل دندان‌پزشکی، به نویسندگی نیز می‌پردازد. مقالات این نویسنده با رویکردی سیاسی و اجتماعی در روزنامه‌های *الدستور* و *الشروق* به چاپ می‌رسد. از

وی تاکنون دو رمان عمارت یعقوبیان (۲۰۰۲ م.) و شیکاگو (۲۰۰۷ م.) و مجموعه داستان آتش دوست» (۲۰۰۴ م.) منتشر شده است. رمان عمارت یعقوبیان به ۳۲ زبان ترجمه و در ۱۰۰ کشور جهان توزیع شده است. برگردان سینمایی این رمان، به کارگردانی مروان حامد، در سال ۲۰۰۵ م. اکران شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت. علاء اسوانی هم‌چنین جایزه «نوآوری جهانی» دانشگاه الینوی را از آن خود کرد. دانشگاه الینوی هر سال این جایزه را به کسانی اهدا می‌کند که بتوانند در رشته‌های مختلف نوآوری داشته باشند. او از بهترین نویسندگان خاورمیانه محسوب می‌شود.

عمارت یعقوبیان؛ رمانی اجتماعی

درزمینه نقد و بررسی جامعه‌شناختی رمان، ضروری است که رمان دربردارنده مضمونی اجتماعی باشد و در دسته رمان‌های اجتماعی قرار گیرد. رمان اجتماعی نوعی رمان درباره مسئله‌ای اجتماعی است که توجه اصلی خود را بر ماهیت جامعه، عملکرد آن و تأثیراتش بر اشخاص معطوف می‌کند. رمان اجتماعی اغلب با نیت ارشاد و یا احتمالاً به منظور ایجاد تغییرات در جامعه نوشته می‌شود؛ بنابراین رمان‌نویس سعی می‌کند مردم را متوجه کمبودها و نقایص جامعه کند و نظریه‌ای را به منزله راه‌حل مشکلی از مشکلات اجتماع طرح و به‌طریقی درباره آن بحث کند (سلیمانی ۱۳۸۷: ۲۶). با این توصیف، رمان عمارت یعقوبیان مضمونی اجتماعی دارد و شایسته نقد جامعه‌شناختی است؛ زیرا اسوانی با هنرمندی تمام شخصیت‌پردازی می‌کند و به تأثیر حوادث سیاسی و اجتماعی بر زندگی شخصیت‌ها می‌پردازد.

خلاصه رمان عمارت یعقوبیان

علاء اسوانی نام عمارت یعقوبیان را برای این رمان انتخاب می‌کند و این ساختمان را به‌عنوان مکان رویدادهای رمان برمی‌گزیند. هاگوب یعقوبیان ارمنی ثروتمندی است که در سال ۱۹۳۴ م. در بهترین محله و خیابان، یک ساختمان ده‌طبقه

پنجاه‌واحدی، با نمایی از سنگ مرمر و بالکن‌های زیبای تزئین‌شده با مجسمه‌های سنگی، بنا می‌کند و روی پشت بام این ساختمان، پنجاه اتاق کوچک دومتیری به قصد انبار کردن مواد غذایی یا نگه‌داری ماشین لباس‌شویی می‌سازد. این ساختمان یک شاهکار بی‌نظیر معماری است که به سبک اروپایی بنا می‌شود و ثروتمندترین اقشار جامعه، از جمله وزیران و سرمایه‌داران، در آن ساکن می‌شوند. اما پس از کودتای ۱۹۵۲ م. همه چیز تغییر می‌کند: ساکنان ثروتمند و خارجی مصر را ترک و ورثه‌ی هاگوب یعقوبیان به سویس مهاجرت می‌کنند و امور غیرمنقول خود را به وکیل خانوادگی‌شان می‌سپارند. پس از کودتا، در دهه‌ی شصت، اغلب ساکنان ساختمان را سرتیپ‌ها و سروان‌ها و ستوان‌ها تشکیل می‌دهند و همسران آن‌ها از اتاق‌های پشت‌بام برای نگه‌داری مرغ و خروس و اردک استفاده می‌کنند. در دهه‌ی هفتاد، وضع این ساختمان بدتر می‌شود و روستاییانی که برای کار به قاهره آمده‌اند در این اتاق‌ها ساکن می‌شوند و برخی از این اتاق‌ها را به سرویس بهداشتی تبدیل می‌کنند. این ساختمان با گذر زمان شکوه و عظمت خود را از دست می‌دهد. در واقع عمارت یعقوبیان نماد جامعه‌ی مصر است و ساکنان آن نماد مردم مصرند و گذر زمان و رویدادها نمادی از تحولات و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی مردم مصر است. به این ترتیب، آشنایی با شخصیت‌های این رمان اهمیت فراوانی دارد. زکی الدسوقی از شخصیت‌های اصلی رمان است؛ پیرمردی ۶۵ ساله که در واقع پسر عبدالعال پاشاست. پدر زکی الدسوقی در زمان پادشاهی ملک فاروق، پیش از کودتای ۱۹۵۲ م.، وزیر بوده است. زکی الدسوقی در دانشگاه پاریس در رشته‌ی مهندسی تحصیل می‌کند و، با توجه به نفوذ پدرش، انتظار می‌رود پیشرفت کاری بیشتری داشته باشد. اما پس از کودتا، پدرش به اتهام ناروای فساد مالی از وزارت خلع می‌شود و سپس فوت می‌کند و دفتر کار زکی در عمارت یعقوبیان به مکانی برای گذران وقت تبدیل می‌شود. او ازدواج نمی‌کند و احساس تنهایی دارد. افسرخون مستخدم زکی است؛ کسی که به‌رغم ظاهر مظلومش، قصد تصاحب دفتر کار زکی را دارد. طه الشاذلی قهرمان رمان است؛ پسری جوان و مؤمن که پدرش سرایدار ساختمان یعقوبیان است. او از کودکی به پدرش کمک می‌کند و

اغلب اوقات مورد اهانت و تحقیر ساکنان ساختمان قرار می‌گیرد. طه از کودکی رؤیای افسر شدن و ورود به دانشکده‌ی افسری را در ذهنش می‌پروراند و برای دستیابی به این رؤیا تلاش فراوان می‌کند. رؤیای دیگر او ازدواج با بئینه، دختر یکی از ساکنان عمارت یعقوبیان، است. او برای امتحان ورودی دانشکده‌ی افسری از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و روز امتحان به بهترین وجه به سوالات استادان ممتحن پاسخ می‌دهد. با وجود این، فقط به دلیل اینکه پدرش سرایدار است، او را شایسته‌ی شغل افسری نمی‌دانند. طه به این رفتار تبعیض‌آمیز اعتراض می‌کند و خطاب به رئیس‌جمهور نامه‌ای می‌نویسد، اما هیچ کس به شکایت او رسیدگی نمی‌کند. او، برخلاف میل باطنی، وارد دانشکده‌ی اقتصاد می‌شود و در نهایت، با هدف رفع تبعیض و ظلم، به صف مخالفان حکومت دیکتاتوری حسنی مبارک درمی‌آید و در عملیاتی جانش را از دست می‌دهد. شخصیت اصلی دیگر این رمان، بئینه است؛ دختری جوان که به همراه خانواده‌اش در ساختمان یعقوبیان زندگی می‌کند. بئینه و طه برای آینده و ازدواج رؤیاهایی در سر می‌پروراند که هرگز به تحقق نمی‌پیوندد؛ زیرا پدر بئینه فوت می‌کند و مسئولیت مادر پیر و خواهران و برادر کوچک‌تر به دوش بئینه، که بزرگ‌ترین فرزند خانواده است، می‌افتد. او برای سیر کردن شکم خانواده‌ی سرپرست خود، وارد محیط کار می‌شود و با واقعیت‌های تلخ جامعه مواجه می‌گردد. به دنبال آن، ازدواج با طه و عشق به او به شکستی جانکاه می‌انجامد. حاج محمد عزام پیرمردی شصت‌ساله است که سی سال پیش برای کسب در آمد به قاهره آمده است. او در ابتدا کفاشی ساده بوده است، اما پس از مدتی ناپدید می‌شود و ناگهان با ثروتی فراوان بازمی‌گردد و در کنار سه پسر و همسرش زندگی می‌کند. او صاحب چندفروشگاه لباس است، اما مردم محل درخصوص کسب ثروت او از طریق قاچاق مواد مخدر صحبت‌های فراوانی می‌کنند. نویسنده رفته‌رفته پرده از ظاهر متدین و متین این شخصیت برمی‌دارد. رضوی زنی جوان است که همسرش در جریان‌های سیاسی علیه حسنی مبارک توسط افسران نظامی مصر کشته شده است. رضوی پس از قتل همسرش، به همراه پسر کوچکش، به اردوگاه مخفی مخالفان نظام دیکتاتوری مبارک می‌پیوندد و توسط

شیخ بلال، فرمانده اردوگاه، به عقد طه الشاذلی درمی‌آید. طه و رضوی حدود یک سال با هم زندگی می‌کنند. در این مدت، طه آموزش نظامی و دفاعی می‌بیند و برای انجام عملیات آماده می‌شود. در نهایت طه در عملیاتی کشته می‌شود. شخصیت دیگر این رمان حاتم رشید، مرد میان‌سال و رئیس تحریریه روزنامه‌ای است که به زبان فرانسوی و عربی در مصر به چاپ می‌رسد. او در زمینه تحصیل و شغل بسیار موفق است. مادر حاتم رشید، زنی فرانسوی به نام ژانت، مترجم سفارت فرانسه، و پدرش مصری و رئیس دانشکده حقوق بوده است. از آنجا که هر دو به شدت مشغول کار بوده‌اند، حاتم رشید در دوران کودکی هرگز مهر و محبت و آغوش گرم و صمیمی پدر و مادر را درک نکرده است و در نتیجه این کمبودهای عاطفی، به ورطه انحطاط می‌افتد. عبدربه سرباز جوانی است که در نیروهای نظامی مشغول خدمت است و درآمد اندکی از این راه کسب می‌کند که کفاف مخارج زندگی همسر و پسر کوچکش را نمی‌دهد. این شخصیت، به دلیل فقر مادی و فرهنگی، به انحراف اخلاقی کشیده می‌شود و در نهایت طی مشاجره‌ای حاتم رشید را در منزلش به قتل می‌رساند.

کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ و پیامد آن در جامعه مصر

شایسته است، پیش از پرداختن به نقد جامعه‌شناختی، مسائل مهم رمان عمارت یعقوبیان، از جمله کودتای ۱۹۵۲ م. و تأثیر آن بر جامعه و سیاست مصر مورد بررسی قرار گیرد. اسوانی می‌گوید: «در سال ۱۹۳۴ م. هاگوب یعقوبیان به بنای یک ساختمان مسکونی فکر کرد... قشر مرفه جامعه آن روزها در عمارت یعقوبیان ساکن شدند... در سال ۱۹۵۲ م. کودتا شد و همه چیز تغییر کرد... هر آپارتمانی که بعد از مهاجرت صاحبش خالی می‌شد یکی از افسران نیروهای مسلح بر آن تسلط می‌یافت» (اسوانی ۲۰۰۳: ۲-۲۴). قطعاً کودتای ۱۹۵۲ م. و پیامد های آن در این رمان از اهمیت خاصی برخوردار است. این کودتا توسط نظامیانی صورت گرفت که خود را «افسران آزاد» می‌نامیدند. هدف از انجام این کودتا، از بین بردن حکومت پادشاهی ملک فاروق بود. به رهبری جمال عبدالناصر، ملک فاروق از قدرت خلع

شد. از آن زمان تاکنون، بسیاری از نظامیان بلندپایه‌ی مصر حق خود می‌دانند که حرف آخر را در سیاست بزنند. عبدالناصر، به‌عنوان رهبر کودتا، در سال ۱۹۵۴ م. به ریاست‌جمهوری مصر رسید و نظام به‌ظاهر جمهوری را بنا نهاد. پس از عبدالناصر، انور سادات نظامی بعدی‌ای بود که به ریاست‌جمهوری مصر رسید، اما او به‌دست یک افسر نظامی ترور شد و حسنی مبارک، فرمانده‌ی سابق نیروی هوایی، در سال ۱۹۸۱ م. به ریاست‌جمهوری رسید. از کودتای ۱۹۵۲ م. تاکنون، مصر سه رهبر سیاسی به خود دیده است که هر سه از ژنرال‌های نظامی بلندپایه بوده‌اند. طبیعی است گروهی که خود عامل انحلال یک ساختار سیاسی و ایجاد ساختار جدید است منافع خود را در ساختار جدید لحاظ می‌کند و، در جایگاه حافظ ساختار و سازمان سیاسی جدید، همواره حق خود می‌داند که تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی در فعالیت‌های سیاسی باشد. به این ترتیب، نظامیان کنترل اوضاع سیاسی و اجتماعی مصر را در دست گرفتند و نه به مردم، بلکه فقط به رئیس‌جمهور پاسخگو هستند.

اخوان المسلمین؛ مهم‌ترین نیروی سیاسی و اجتماعی مصر

برخی از شخصیت‌های اصلی رمان، از جمله طه الشاذلی، رضوی و شیخ بلال، در جنبش اخوان المسلمین فعالیت می‌کنند و زندگی این شخصیت‌ها به‌شدت تحت‌تأثیر این جنبش قرار دارد. نویسنده تلاش می‌کند تأثیر حیات نامحسوس جنبش اخوان المسلمین را در زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی بررسی کند. بر این اساس، ضروری است که به معرفی این جنبش بپردازیم. اخوان المسلمین یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای عربی، بزرگ‌ترین جریان اپوزیسیون به‌شمار می‌رود. اخوان المسلمین مراحل مختلفی را سپری کرده است که مهم‌ترین آن‌ها به این ترتیب است: مرحله‌ی اول (تأسیس): از بنیانگذاری آن توسط حسن البنا در سال ۱۹۲۸ م. و ترور او به‌دست عوامل ملک فاروق در سال ۱۹۴۹ م. که این جنبش به‌ظاهر پایان یافت؛ مرحله‌ی دوم (همکاری): این مرحله با انتخاب حسن الهضیبی به‌عنوان مرشد دوم شروع می‌شود. در این مرحله، رهبران اخوان با افسران آزاد همراهی و همکاری کامل داشتند؛ به‌گونه‌ای که اگر اخوان المسلمین

با نظامیان همکاری نمی‌کرد، کودتا به موفقیت نمی‌رسید؛ مرحله‌ی سوم (تقابل): افسران آزاد، به سرکردگی سرهنگ جمال عبدالناصر، با دستگیری رهبران اخوان المسلمین و اعدام برخی از آنان، تلاش می‌کردند این پایگاه مقاومت مردمی را نابود کنند و قدرت سلطه را در انحصار خود قرار دهند. حسنی مبارک نیز از سیاست جمال عبدالناصر و انور سادات در مبارزه و محدودسازی رشد فرآیند پایگاه‌های اجتماعی جنبش اخوان المسلمین پیروی و تلاش می‌کرد اخوان المسلمین را از صحنه‌ی سیاست مصر دور نگه دارد. به این ترتیب، از ابتدا گروه افسران آزاد و اخوان المسلمین بر سر رسیدن به قدرت و حکومت با هم درگیر بوده‌اند.

نقد و بررسی شخصیت‌های رمان از دیدگاه جامعه‌شناختی

در بررسی جامعه‌شناختی رمان، شخصیت‌ها و حوادث از اهمیت خاصی برخوردارند. هر یک از شخصیت‌ها نماد طبقه‌ای از مردم جامعه هستند. حتی خلق و خوی آن‌ها و تصمیم‌های‌شان برای زندگی آینده، از شرایط اجتماعی نشأت می‌گیرد. بر این اساس، شخصیت‌های رمان و تأثیر حوادث اجتماعی بر زندگی‌شان را به چند گروه تقسیم و نقد و بررسی جامعه‌شناختی می‌کنیم.

نسل جوان در جامعه مصر

طه الشاذلی نماینده‌ی نسل جوان جامعه مصر است. او دو هدف برای آینده خود دارد، که، از نظر خواننده، سهل‌الوصول است: ورود به دانشکده افسری و ازدواج با بئینه، دختر یکی از ساکنان عمارت یعقوبیان. اما او هرگز به این دو هدف ظاهراً سهل‌الوصول نمی‌رسد؛ زیرا افسران نظامی، فقط به‌علت سرایدار بودن پدرش، مانع ورود او به دانشکده افسری می‌شوند. این امر بیانگر ظلم و تبعیض و تسلط بی‌حد و حصر نظامیان در جامعه مصر است. ازدواج با بئینه نیز به سرانجام نمی‌رسد. بئینه هم نماینده‌ی نسل جوان در مصر است. پدر بئینه فوت می‌کند؛ او به‌ناچار وارد محیط کار می‌شود تا مخارج زندگی مادر پیر و خواهران و برادر کوچک‌تر خود را تأمین کند، اما هر بار، به‌علت آزار و اذیت کارفرما، شغلش را رها می‌کند. مادرش از

این وضع راضی نیست: «زمانی که بئینه کارش راه، به علت مزاحمت‌های مردان رها کرد، مادر گفت: برادر و خواهرانت به شندرغاز حقوق تو نیاز دارند و یک دختر زیرک از خودش و کارش محافظت می‌کند» (اسوانی ۲۰۰۳: ۶۲). رفته‌رفته بئینه با حقایق تلخ جامعه روبرو می‌شود. زمانی که می‌فهمد نامزدش، طه الشاذلی، برای ورود به دانشکده افسری به موانعی برخورد کرده است و، از سوی دیگر، باید بار زندگی خانواده‌اش را به تنهایی بر دوش بکشد، رؤیاهایش را ازدست‌رفته می‌بیند. طه که از اوضاع مادی او خبر دارد و می‌داند او، به دلیل نیاز مادی، منشی زکی الدسوقی خوش‌گذران شده است، از او می‌خواهد این شغل را رها کند: «طه: زکی الدسوقی آبرودار نیست. بئینه: بله... ولی ۶۰۰ دینار در ماه به من می‌دهد و من مخارج خانواده را می‌پردازم. حضرت آقا، تو نمی‌توانی مخارج مدرسه و خوردوخوراک بپردازی... طه: بئینه، از خدا بترس. تو آدم خوبی هستی... کار درستی پیش بگیر. رزق و روزی دست خداست... بئینه روبه‌روی او ایستاد و گفت: گوش کن طه. جریان ما تموم شد. هر کس راه خودش را می‌رود» (منبع پیشین: ۱۶۴). از همین جا، زندگی این دو جوان مصری، طه و بئینه، برای همیشه از هم جدا می‌شود. درواقع فقر مادی، ناامیدی از بهبود شرایط اجتماعی و دستیابی نداشتن به امکانات ساده و اولیه زندگی در جامعه مصر میان این دو جوان مصری و آرزوهایشان جدایی می‌اندازد و هریک به تنهایی به استقبال آینده تیره‌وتار خود می‌روند. اسوانی در مقاله‌ای با عنوان «سهل‌انگاری در اصلاح سیاسی»، می‌گوید: «اوضاع مصر دیگر قابل تحمل نیست و غیرممکن است که به این شکل ادامه پیدا کند. میلیون‌ها مصری از فقر و بیکاری و ظلم و سرکوب رنج می‌برند و تا حد خودکشی یا فرار از کشورشان ناامید شده‌اند. در میان این فقر همه‌گیر، عده‌ای محدود از قدرت دائمی و ثروت‌های فراوانی برخوردارند که کسی منبعش را نمی‌داند» (اسوانی ۲۰۱۰: ۱۲۲). این وضع اجتماعی نابسامان جوانان در زمان حکومت حسنی مبارک است که اسوانی در سال ۲۰۰۲ م، هنگام نگارش رمان، آن را در قالب هنری منعکس می‌کند.

جوانان دیروز (نسل گذشته) در جامعه مصر

زکی الدسوقی از شخصیت‌های اصلی رمان است؛ پیرمردی ۶۵ ساله که پسر وزیر مخلوع، عبدالعال پاشا الدسوقی، است. زکی الدسوقی زندگی پیش از کودتای ۱۹۵۲ م. را در جوانی تجربه کرده است. نقش اصلی او در رمان، مقایسه‌ی زمان پیش از کودتا و برشمردن مزایای آن با زمان حکومت جمال عبدالناصر و تسلط نظامیان بر مصر است. او در مجموع شخصیت محبوبی دارد و همه‌ی اهل محل دوستش دارند؛ زیرا برای دیگران مزاحمتی ایجاد نمی‌کند و اغلب مشغول وقت‌گذرانی است. با این حال، از اینکه ازدواج نکرده و همسر و فرزندی ندارد عمیقاً ناراحت است و از تنهایی رنج می‌برد. بئینه به‌عنوان منشی به دفتر کار زکی وارد می‌شود؛ در حالی که این نقشه‌ای است که ابرسرخون، مستخدم زکی، و برادرش طراحی کرده‌اند. آن‌ها از بئینه می‌خواهند در یک فرصت مناسب از زکی امضا و اثر انگشت بگیرد تا، چون زکی وارثی ندارد، دفتر کارش به این مستخدم طماع و برادرش برسد. بئینه درازای انجام این کار مقداری پول دریافت می‌کند، اما او، که به‌دلیل نیاز مادی این کار را می‌پذیرد، پس از مدتی، به این شناخت می‌رسد که زکی پیرمردی خوش‌قلب و مهربان است و نیاز به مراقبت دارد؛ به همین دلیل، نمی‌تواند به او خیانت کند. با گشت زمان، نوعی رابطه‌ی عاطفی میان زکی و بئینه برقرار می‌شود. گفت‌وگوهای دوستانه‌ی بئینه و زکی درباره‌ی مصر از اهمیت خاصی برخوردار است: «زکی گفت: دوست داری کجا بروی؟ بئینه گفت: هر جای دوری غیر از این خراب‌شده... زکی گفت: تو مصر را دوست نداری! هرکس باید وطنش را دوست داشته باشد؛ چون وطن مثل مادر می‌مونه. بئینه: این حرف‌ها مال فیلم‌هاست... زکی: مردم خسته‌اند... بئینه: تو نمی‌فهمی، چون وضع خوبه. وقتی دو ساعت تو ایستگاه اتوبوس بایستی و نتونی سه تا اتوبوس سوار بشی... وقتی به این قد و قواره و سواد می‌رسی، در حالی که تو جیبیت جز یک دینار نداری... اون وقت می‌فهمی برای چی ما مصر را دوست نداریم» (اسوانی ۲۰۰۳: ۱۹۳). نارضایتی از اوضاع مصر و ناامیدی از بهبود شرایط در گفت‌وگوهای شخصیت‌های رمان آشکار است. اگر نسل دیروز، که نیمی از عمر خود را پیش از کودتا سپری کرده‌اند،

دست‌کم وطنشان را دوست دارند، نسل جوان، به‌دلیل وخامت اوضاع سیاسی و اجتماعی، از مصر متنفر شده است. گفت‌وگوی صمیمانه زکی با بئینه ادامه می‌یابد: «زکی گفت: من روزهای زیبایی زندگی کردم... مردم مؤدب و محترم بودند. هیچ کس پایش را از گلیمش درازتر نمی‌کرد. اغلب ساکنان وسط شهر خارجی بودند. عبدالناصر سال ۵۶ آن‌ها را بیرون کرد... بئینه گفت: وقتی به دنیا اومدم، عبدالناصر مرده بود. نمی‌شناسمش. بعضی مردم می‌گن او قهرمان بوده و بعضی می‌گن جنایتکار بوده... زکی گفت: عبدالناصر بدترین حاکم در تمام تاریخ مصر است. کشور را ویران کرد و شکست و فقر برامون آورد. عبدالناصر به مصری‌ها ترس و فرصت‌طلبی و دورویی یاد داد... کسی که عبدالناصر را دوست داره یا احمقه یا بهره‌ای برده... افسران آزاد گروهی از مردم بیچاره جامعه بودند که نحاس پاشا... به آن‌ها اجازه داد وارد دانشکده نظامی بشوند و نتیجه این شد که در سال ۵۲ کودتا کردند. بر مصر حکومت و آن را غارت کردند... باید هم عبدالناصر را دوست داشته باشند، چون سردسته باند بود» (منبع پیشین: ۲۲۸). ناامیدی نویسنده از امکان اصلاحات پس از کودتا بر رمان تسلط دارد، اما همچنان تلاش می‌کند مخاطب مصری را از منشأ مشکلات آگاه کند. اسوانی در مقاله‌ای به‌صراحت می‌گوید: «بدیهی است که رژیم در مصر به بن‌بست رسیده است و چاره‌ای جز یک تغییر اساسی در روش حکومت ندارد. مبارک برای اتمام سی سال حکومت پافشاری می‌کند و قصد دارد پسرش را جایگزین خود کند... مصر مزرعه حیوانات نیست که پدر برای پسرش به ارث بگذارد... مشکل مصر فقط در روش حکومتی آن است. استبداد و ظلم و فساد باعث ازبین رفتن انرژی و وخامت اوضاع ما شده است... وظیفه تمام هم‌وطنان این است که، گذشته از اختلافات سیاسی، در یک خواسته متحد شوند؛ اینکه اجازه ندهند مبارک دوباره نامزد ریاست‌جمهوری شود و بگذارد مردم انتخاب کنند چه کسی بر آن‌ها حکومت کند. فقط در این هنگام است که آینده در مصر شروع می‌شود» (اسوانی ۲۰۱۰: ۱۵۳).

دانشجویان و اصلاح‌طلبان در جامعه مصر

طه الشاذلی نماینده نسل جوان بی‌آینده مصر است. او، که به دلیل تبعیض نمی‌تواند وارد دانشکده افسری شود و به دلیل فقر ازدواج با بئینه را نیز از دست می‌دهد، برخلاف میل باطنی، وارد دانشکده اقتصاد و با دانشجویان دیگر آشنا می‌شود. طه رفته‌رفته وارد گفت‌وگوهای سیاسی می‌شود و، از آنجا که از افسران نظامی و وضعیت اجتماعی دل خوشی ندارد، به گروه اخوان المسلمین می‌پیوندد و در تظاهراتی دستگیر و سپس به شدت شکنجه می‌شود. او پس از آزادی از زندان، به قصد انتقام از افسر مسئول شکنجه‌اش، بار دیگر جدی‌تر وارد جنبش اخوان المسلمین و اردوگاه مخفی آن‌ها می‌شود و آنجا، برای آمادگی شرکت در عملیات، آموزش نظامی می‌بیند: «شیخ شاکر گفت: طه، برادرت، شیخ بلال، فرمانده اردوگاه، را به تو معرفی می‌کنم. ان‌شاءالله اینجا از شیخ بلال یاد می‌گیری چه‌طور حقت را پس بگیری و از ستمگران انتقام بگیری» (اسوانی ۲۰۰۳: ۲۷۳). سرانجام روز انتقام فرامی‌رسد و طه به همراه چند نفر از دوستانش به محل عملیات می‌روند. او در اثنای عملیات متوجه می‌شود افسری که مسئول شکنجه‌اش بوده اکنون هدف عملیات است. وقتی هم‌زمان طه به آن افسر شلیک می‌کنند، طه، به جای فرار، در صحنه می‌ماند و تکبیر می‌گوید و به دست محافظان افسر کشته می‌شود: «طه طبق نقشه عمل نکرد، ایستاد تا با چشمانش افسر را در حال مرگ ببیند. سپس فریاد کشید الله اکبر... الله اکبر... ناگهان در کتف و سینه‌اش احساس سردی کرد... سرما به درد شدیدی تبدیل شد... و به نظرش رسید که آن درد شدید آرام‌آرام از بین می‌رود (همان منبع: ۳۴۳). به این ترتیب، او در صف اخوان المسلمین مقابل حکومت دیکتاتوری حسنی مبارک می‌ایستد و کشته می‌شود. طه همان قهرمان رمان است؛ فردی مسئله‌دار در جامعه‌ای که ارزش‌های کمی، نظیر سرمایه و پول، بر آن حاکم است. این قهرمان به جست‌وجوی ارزش‌های کیفی اصیل و راستین، مانند عدالت، آزادی و عشق، برمی‌آید و در نهایت راه به جایی نمی‌برد. به نظر می‌رسد نویسنده صحنه اجتماعی مصر را محل نزاع و کشمکش میان افسران نظامی و جنبش اخوان المسلمین می‌داند؛ به گونه‌ای که مردم بازیچه و قربانی

قدرت‌طلبی این دو گروه شده‌اند، در حالی که هیچ‌کدام صلاحیت حکومت بر مصر را ندارند. طه، برای انتقام از افسران نظامی، وارد جنبش اخوان المسلمین می‌شود و البته آسیب می‌بیند. اسوانی به هیچ روی موافق با نظام دیکتاتوری حسنی مبارک نیست، اما اعتمادی به جنبش اخوان المسلمین هم ندارد. او معتقد است که فقط دموکراسی و مردم‌سالاری حقیقی می‌تواند مصر را از این وضعیت اسفبار نجات دهد. اسوانی در مقاله‌ای این‌گونه نظر می‌دهد: «اگر مسئولان سیاسی ما از دموکراسی طفره برونند یا آن را به تأخیر بیندازند، هیچ فایده‌ای ندارد؛ زیرا دموکراسی حق طبیعی مردم است و آن را به دست می‌آورند... تنها راه حل، دموکراسی است و هیچ راه‌حل دیگری نیست. اگر این مسئولان همچنان حکومت می‌کنند، باید مردم‌سالاری را از هم‌اکنون آغاز کنند» (منبع پیشین، ۲۰۱۰: ۷۵).

دین در جامعهٔ مصر

موضوع دین و دین‌داری در شخصیت‌های رمان متجلی است. به نظر می‌رسد یکی از دغدغه‌های ذهنی اسوانی، دین و عمل به دستورات این منبع فرابشری است. در میان شخصیت‌های رمان، حاج محمد عزام پیرمردی است که از جوانی کفاش ساده‌ای بوده، ولی یک‌شبه ره صدساله می‌رود و ناگهان ثروتمند می‌شود. برخی معتقدند او از طریق قاچاق مواد مخدر به این ثروت هنگفت رسیده است. نویسنده رفتارهای این شخصیت را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و خواننده درمی‌یابد حاج عزام، برخلاف آنچه نشان می‌دهد، بویی از انسانیت نبرده است. عزام به‌حدی ثروتمند و قدرت‌طلب است که تصمیم می‌گیرد در انتخابات مجلس نمایندگان مردمی شرکت کند و به هر قیمتی وارد پارلمان شود. پس به‌سراغ شخصی به‌نام کمال الفولی می‌رود. او یکی از سیاستمداران بانفوذ است که، با گرفتن رشوه، هر کس را بخواهد نامزد و پیروز میدان انتخابات می‌کند. در رمان آمده است: «عزام سر صحبت را باز کرد و دربارهٔ عشق به مردم و تمایل به خدمت آن‌ها و چندین حدیث شریف در خصوص ثواب کسی که در رفع نیازهای مسلمانان بکوشد صحبت کرد... فولی گفت: مردم ساده می‌فهمند که ما در انتخابات تقلب می‌کنیم... ممکن نیست که

مصری با حکومت مخالفت کند. فقط مصری است که تمام عمر سر خم می‌کند تا بخورد و زندگی کند و این مسئله در تاریخ نوشته شده است... حاج عزام چکی به مبلغ یک میلیون کشید... فولی گفت: مبارک است حاجی. یک حمد و سوره بخوانیم. پروردگار ما را توفیق دهد» (منبع پیشین، ۲۰۰۳: ۱۱۷-۱۲۱). درنهایت، کمال الفولی، با رشوه‌ای که از عزام می‌گیرد، او را نماینده پارلمان می‌کند. نکته جالب این است که پس از ورود به پارلمان، حاج عزام قربانی می‌کشد و آن بین فقرا تقسیم می‌کند: «سه گوساله بزرگ ذبح شد... ولگردها و کودکان پابرنه و زنان... همگی آمده بودند تا از گوشتی که حاج عزام به مناسبت پیروزی‌اش در انتخابات پخش می‌کرد سهم خود را بگیرند» (همان منبع: ۱۷۱). اسوانی، با خلق این شخصیت، به طرز هنرمندانه، رشوه‌خواری، ظلم، تقلب در انتخابات و تظاهر به دین‌داری و سکوت نابجای مردم مصر را به تصویر می‌کشد و تلاش می‌کند خواننده را به تفکر وادارد. زمانی که کمال الفولی می‌گوید: «مردم مصر سر خم می‌کنند تا بخورند و زندگی کنند و مصری هرگز با حکومت مخالفت نمی‌کند»، این گفت‌وگوها خواننده مصری را از خواب غفلت بیدار و او را برای انجام تغییرات و اصلاحات آگاه می‌کند. اسوانی در یکی از مقالات خود می‌گوید: «حدود سی سال است که مصری‌ها غیرمحترمانه تحت سلطه مبارک زندگی می‌کنند، می‌خورند و می‌آشامند و اهانت‌ها را تحمل می‌کنند و چاپلوسی حاکم مستبد را می‌کنند تا او را از خودشان راضی نگه دارند. برای میلیون‌ها مصری ادامه زندگی مهم‌تر از حفظ کرامتشان است. آن‌ها از ترس بازداشت، زورگویی نظامیان را تحمل می‌کنند... زندانی و شکنجه و هتک حرمت را تا زمانی که برای دیگران رخ می‌دهد تحمل می‌کنند و نادیده می‌گیرند و به فرزندانشان سفارش می‌کنند از کنار دیوار راه بروند و تظاهرات و اعتراض نکنند» (همان منبع، ۲۰۱۳: ۲۲۲). اسوانی درخصوص جدایی دین از اخلاق می‌گوید: «جوامع بشری همچون انسان به بیماری دچار می‌شوند و جامعه امروز مصر نیز از جدایی دین و اخلاق رنج می‌برد و این بیماری دلایل گوناگون دارد... در حال حاضر، دین در مصر فقط در مجموعه کارهایی خلاصه می‌شود که اگر انسان آن را انجام دهد، متدین به حساب می‌آید».

فساد در جامعه مصر

فساد نیز، به‌منزله‌ی یک معضل اجتماعی، در این رمان مطرح می‌شود. اسوانی به‌صراحت به افسارگسیختگی گرایز جنسی در این رمان اشاره می‌کند و منشأ اصلی آن را انتشار ظلم و بی‌عدالتی و فقر مادی و فرهنگی می‌داند. به‌نظر می‌رسد در جامعه‌ای که ظلم و بی‌عدالتی و فقر همه‌گیر شده است، عده‌ای به انزوا و عده‌ای به فساد روی آورده‌اند. صراحت بیان اسوانی در این اثر تا حدودی باعث سوءبرداشت شد، اما خواننده، با بررسی دقیق رویدادهای رمان، متوجه می‌شود که نویسنده کار ارزشمندی ارائه داده و هدف اصلی‌اش اصلاح جامعه است. اسوانی از جدایی دین و اخلاق در جامعه‌ای اسلامی انتقاد می‌کند. هم‌چنین نباید فراموش کرد که اسوانی دندان‌پزشک است و اغلب دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی به‌صراحت درباره‌ی علت بیماری و میزان پیشرفت و راه درمان صحبت می‌کنند. اسوانی در آثار ادبی خود صراحت پزشکی را حفظ می‌کند و بی‌پرده از معضلات اجتماعی سخن می‌گوید.

نتیجه

اسوانی در رمان عمارت یعقوبیان تصویری کامل از جامعه مصر ارائه می‌دهد و به بررسی حوادث و رویدادهای سیاسی و پیامدهای آن‌ها بر جامعه مصر در طی سال‌های ۱۹۵۲ تا ۲۰۰۲ م. می‌پردازد. نویسنده، با نگاهی آسیب‌شناسانه، وقایع جامعه مصر را تجزیه و تحلیل می‌کند. از نظر اسوانی، کودتای ۱۹۵۲ م.، خلع ملک فاروق و تسلط افسران نظامی بر مصر پیامدهایی ناگوار مثل بی‌عدالتی، ظلم، فقر و فحشا را در پی داشته است. در رأس حکومت مصر، شاهد قدرت‌طلبی و خودخواهی هستیم و در قشر ضعیف جامعه، انواع کارهای نادرست و انحرافات اخلاقی، از جمله دروغ‌گویی، خیانت و دزدی، رواج دارد که اغلب ریشه در فقر مادی و فرهنگی دارد و مجالی برای رشد خصلت‌های انسانی باقی نگذاشته است. شخصیت‌های رمان هر یک به‌نوعی ناکامی و ناامیدی را تجربه می‌کنند. طه به دانشکده افسری راه نمی‌یابد و نمی‌تواند با بشینه ازدواج کند. بشینه نیز از جوانی و آرزوهایش می‌گذرد و،

به دلیل فقر، با زکی الدسوقی، پیرمردی که هم‌سن پدرش است، ازدواج می‌کند و در سایه ثروت او، خود و خواهران و برادرش را تأمین مالی می‌کند. زکی الدسوقی مهربان نیز از تنهایی درمی‌آید و از لحاظ عاطفی تأمین می‌شود. طه به اخوان المسلمین می‌پیوندد و کشته می‌شود. کشته شدن طه به نوعی رد صلاحیت اخوان المسلمین است. هیچ‌یک از ساکنان عمارت یعقوبیان، که نمادی از مردم مصرند، کامیاب و سعادتمند نمی‌شوند و هرگز طعم رفاه و زندگی بی‌دغدغه را نمی‌چشند. این رمان آینه تمام‌نمای زندگی مردم مصر، معایب و مشکلات و منشأ ایجاد آن‌هاست. نویسندگان معضلات اجتماعی را در این رمان به دقت بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد اسوانی به تأثیرات سوء کودتای ۱۹۵۲ م، تسلط نظامیان بر مصر، وخامت روزافزون وضع اجتماعی و سکوت نابجای مردم مصر اعتراض دارد. او، علاوه بر انعکاس مشکلات، قیام و ایجاد تحول و رسیدن به مردم‌سالاری واقعی را به منزله تنها راه حل پیشنهاد می‌کند. هم‌چنین این رمان در تحولات و انقلاب اخیر مصر در سال ۲۰۱۱ م. تأثیر بسزایی داشته است. ترکیب نگاه اجتماعی و خلاقیت هنری در رمان عمارت یعقوبیان تحسین‌برانگیز است. این اثر مشحون از مضامین آشکار و پرننگ اجتماعی و سیاسی است و میان ادبیات و جامعه مصر تعامل برقرار می‌کند.

منابع

- الأسوانی، علاء، (۲۰۰۳)، عمارة یعقوبیان، قاهره: مكتبة مدبولی.
- _____ (۲۰۱۰)، لماذا لا یثور المصریون؟، قاهره: دارالشروق.
- _____ (۲۰۱۳)، هل أخطأت الثورة المصریة؟، قاهره: دارالشروق.
- الحاوی، ابراهیم، (۱۹۸۴)، حركة النقد الحدیث والمعاصر فی الشعر العربی، مؤسسة الرسالة.
- امامی، نصرالله، (۱۳۷۷)، مبانی و روش‌های نقد ادبی، تهران: دیبا.
- درویش، العربی حسن، (۱۹۸۸)، النقد العربی بین القدامی والمحدثین مقایسه واتجاهاتهنو قضاياه، قاهره: مكتبة النهضة المصریة.
- رزاق پور، مرتضی، (۱۳۸۷)، «نقد جامعه‌شناختی تهران مخوف»، مجله زبان و ادب دانشگاه علامه طباطبایی، س ۱۲، ش ۳۵.

- روشنفکر، کبری و معصومه نعمتی قزوینی، (۱۳۸۹)، «مبانی نقد اجتماعی در ادبیات»، دانشنامه علوم اجتماعی، ش ۴.
- زرافا، میشل، (۱۳۶۸)، جامعه‌شناسی ادبیات داستانی: رمان و واقعیت اجتماعی، ترجمه نسرین پروینی، تهران: فروغی.
- سلیمانی، محسن، رمان چیست؟، تهران: سوره مهر.
- عبیدی، صلاح‌الدین، (۱۳۹۱)، «نقد جامعه‌شناختی بر آثار طاهر وطار؛ مطالعه مورد پژوهانه: رمان الزلزال، براساس الگوی لوسین گلدمن»، فصل‌نامه لسان مبین دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، س ۳، ش ۷.
- عسگری حسنگلو، عسگر، (۱۳۸۹)، نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، تهران: فرزانه روز.